

اکو- محله: پاسخی نوین به مشکلی دیرین بررسی تطبیقی شهرسازی سنتی اقلیم گرم و خشک با اصول طراحی اکو-محله

فرنگیس خوشبین رودی

دانشجوی معماری مقطع دکترا - دانشکده ملی عالی معماری ورسای / فرانسه
farangis.khoshbin130@gmail.com

چکیده

بیش از سه دهه از آغاز نخستین گامهای جهانی در جهت توسعه پایدار می گذرد. در این راستا، سیاستهای مسکن و شهرسازی در همه جوامع بیش از پیش با اصول کلی حفظ محیط زیست، توجه به تنوع زیستی یا بیودیورسیت و برنامه های کاهش مصرف انرژی همراه شده است. یکی از آخرین دستاوردهای کشورهای توسعه یافته ایجاد اکو-محله ها می باشد. جریان اصلی در این مقاله معرفی مفهوم وجستار در سوابق علمی و عملی جهانی است تا با استنتاج از نتایج ثمربخش این خیزش جدید شهرسازی، اهمیت گسترش مفهوم اکو-محله در کشورهای دارای اقلیم گرم و خشک مورد توجه کارشناسان و محققان ازسویی و حساس کردن متولیان سیاستگذار شهری از سویی دیگر گردد. اقلیم مورد نظر برای مطالعه، اقلیم گرم و خشک و شهر انتخابی، یزد می باشد. نویسنده در پی آن است تا با معرفی تیپولوژی معماری این محدوده اقلیمی و سوابق درخشان معماری و شهرسازی هزاران ساله آن به ضرورت استخراج پتانسیل های قابل بهره برداری در راستای تدوین معیارهای طراحی یک اکو-محله در نواحی گرمسیری پردازد.

واژه های کلیدی: توسعه پایدار، اکو- محله، انرژی، اقلیم گرم و خشک.

1- مقدمه

بدون شک شهرنشینی درهرمقیاسی که تعریف شود - چه در مرزهای پایین نظیر 200 نفر برای تشکیل و تعریف «شهر» در سوئد و چه در آستانه های بالا مانند 2000 نفر در کشورهایایی نظیر فرانسه، آلمان، کوبا و یا 2500 نفر در ایالات متحده و یا 50000 نفر در هندوستان- دارای تبعاتی و اثراتی بر فضا و مهمتر از آن بر محیط زیست می باشند. در حال حاضر، نیمی از جمعیت جهان را شهرنشینان تشکیل می دهند و این نرخ با آهنگی متفاوت درحال رشد است، در کشورهای صنعتی این رقم کمی کمتر از 0.7 در صد و در کشورهای در حال توسعه بیش از 2.4 در صد می باشد. در اروپا سه چهارم مردم ساکن شهرها هستند. این امر اهمیت توجه به ساختارهای شهری و در کنار آن محیط زیست را پررنگتر می کند.

مصرف بی رویه انرژیهای آلاینده در ساختمانها و عمدتا در بخش مسکونی و با توجه به افزایش جمعیت و به تبع آن گسترش نیاز به مسکن، بحران کمبود انرژی در آینده ای نه چندان دور را رقم می زند. بحران انرژی اواخر دهه 70 میلادی کشورهای صنعتی را بر آن داشت تا به صورت جدی، برنامه های جایگزین انرژیهای فسیلی را در سر لوحه استراتژیهای مصرف خود قرار دهند. مدیریت سیستمهای ساخت و توسعه از جمله این استراتژیها است که در سالهای اخیر به شکل